

## **A Critical review of the Correction of Tareb Al-Mujales**

**Reza Eliyasi**

PhD Student of Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran,  
farduse1345@yahoo.com

**Maryam Mahmoodi \***

Associate professor of Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University,  
Dehaghan, Iran, m.mahmoodi75@yahoo.com

### **Abstract**

The book of Tareb Al-Mujales by Mir Hosseini Heravi is a moral and educational work related to the seventh century. This book was first corrected in 1352 AH by Seyed Alireza Mojtahedzadeh, a professor at Ferdowsi University of Mashhad, using a written version in the library of Ferdowsi University of Mashhad. This attempt and correction is worthy of mentioning. The corrections are defective and incomplete for various reasons, such as shortcomings of the basic and duplicate versions of the book, footnotes and the existence of many spelling mistakes that are found in the book, the defects of the content and the end of the book, such as insertion of incomplete footnotes and inscriptions and inadequate indexes, and generally non-observance of the methods of scientific and critical correction. Due to the importance of this work and its author, this book has to be corrected once again and its defects should be resolved. The present paper reviews the correction of Mojtahedzadeh using the written version of number 20667 in the library of Ferdowsi University.

**Keywords:** Correction, Tareb Al-Mujales, Mir Hosseini Heravi, Seyyed Alireza Mojtahedzadeh, Seventh Century

---

\* Corresponding author

فصل نامه متن شناسی ادب فارسی (علمی - پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم  
شماره دوم (پیاپی ۴۲)، تابستان ۱۳۹۸، صص ۸۱-۹۳  
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳

## نقد و بررسی تصحیح طرب المجالس

رضا الیاسی\* - مریم محمودی\*\*

### چکیده

طرب المجالس از میرحسینی هروی، اثری اخلاقی و تعلیمی مربوط به قرن هفتم است. سید علیرضا مجتهدزاده، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، نخستین بار در سال ۱۳۵۲ با استفاده از نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد این کتاب را مقابله و تصحیح کرد. این تلاش و تصحیح در جای خود درخور ذکر و ارج گذاری است؛ اما به سبب های گوناگون مانند اشکال ها و کاستی های نسخه اساس و نسخه بدل ها، اشکالات پی نوشت و وجود اشتباهات املائی بسیار که در جای جای کتاب وجود دارد، نارسایی ها و نقص های محتوایی و پایانی کتاب مانند درج پی نوشت های ناقص و تعلیقات و نمایه های ناکافی و به طور کلی رعایت نکردن شیوه های تصحیح علمی و انتقادی، تصحیحی ناقص با ایرادهای بسیار است. با توجه به اهمیت این اثر و نویسنده آن، باید این کتاب بار دیگر تصحیح و کاستی ها و نقص های آن رفع شود. این مقاله با استفاده از نسخه خطی شماره ۲۰۶۶۷ موجود در کتابخانه دانشگاه فردوسی، تصحیح مجتهدزاده را بررسی و نقد می کند.

### واژه های کلیدی

تصحیح؛ طرب المجالس؛ میرحسینی هروی؛ سید علیرضا مجتهدزاده؛ قرن هفتم

### مقدمه

امیر فخرالسادات حسین بن عالم بن حسن حسینی غوری هروی ملقب به سید رکن الدین، معروف به امیرحسینی یا حسینی سادات و متخلص به حسینی، از جمله عارفان و شاعران و نویسندگان قرن هفتم و هشتم هجری است. سال ولادت او به درستی معلوم نیست و شاید حدود ۶۷۱ باشد (صفا، ۱۳۷۲، ج ۳: ۷۵۳). درباره تاریخ وفات او نیز اختلاف

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران farduse1345@yahoo.com

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول) m.mahmoodi75@yahoo.com

است و سال‌های ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۲۸، ۷۲۹ و ۷۳۸ را برای وفات او ذکر کرده‌اند (لاهیجی، ۱۳۹۳: پانزده). درباره اصل و نسبش برخی معتقدند که او از ملک زادگان و منتسبان پادشاهان غور بوده است (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۳۲۶). عده‌ای نیز او را دارای سلطنت دانسته‌اند (هدایت، بی تا: ۹۴). بعضی هم بر این باورند که او در سپاهیگری، نوکر پادشاهان بوده است (لاهوری، بی تا، ج ۲: ۴۴). «مسکن سید شهر هرات بوده و سند خرقة سید به سلطان‌المشایخ شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی می‌رسد قدس الله سره العزیز و سالها به سلوک مشغول بوده و با بسیاری از اکابر صحبت داشته، حکایت کنند که شیخ عارف فخرالدین عراقی و شیخ اوحدی و سید حسینی هر سه فاضل مریدان شیخ شهاب‌الدین سهروردی بوده‌اند» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲۳). ذبیح‌الله صفا این سخن دولت‌شاه را درست نمی‌داند و معتقد است امیرحسینی دوران مجاهدتش را در خدمت شیخ بهالدین مولتانی و پسرش صدرالدین عارف مولتانی به سر برده و چون زکریای مولتانی از تربیت‌شدگان سهروردی است از این راه، نسب تعلیم امیرحسینی به سهروردی می‌رسد (صفا، ۱۳۷۲، ج ۳: ۷۵۴). هفده پرسش منظوم مشهور او در جایگاه عارفی وارسته، زمینه‌ساز سرایش اثر ارزشمند متصوفه، گلشن راز شیخ محمود شبستری شد و نام و آوازه‌اش را در تاریخ عرفان و تصوف ماندگار کرد.

از امیرحسینی آثاری به نظم و نثر به جا مانده است. آثار منظوم او عبارت است از: *زاد‌المسافرین*، *کنز‌الرموز*، *سی‌نامه*، *دیوان قصاید*، *غزلیات*، *ترجیعات*، *مقطعات*، *رباعیات* و *طرح‌سؤالات گلشن راز*. آثار منشور او عبارت است از: *نزه‌الارواح*، *صراط‌المستقیم*، *روح‌الارواح*، *طرب‌المجالس* - سعید نفیسی از این کتاب با نام *نزه‌المجالس* یاد کرده است - (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۶۹).

*طرب‌المجالس* یکی از آثار امیرحسینی است که در میان عارفان و اهل تصوف مقبولیت و اعتبار ویژه‌ای یافته است. این کتاب آمیزه‌ای از نثر مسجع و نظم همراه با بیانی دلپذیر است و سبک آن متأثر از شیوه نویسنده‌گی خواجه عبدالله انصاری، عارف نامدار هرات است (ترابی، ۱۳۷۱: ۱۵)؛ البته او این شیوه نگارش را تا پایان کتاب رعایت نکرده است. کتاب با نثری روان نگاشته شده و مشتمل بر موضوعات اخلاقی و حکمی و موعظه و معارف الهی و مستند به آیات قرآن و احادیث نبوی است. این اثر در پنج قسم و پنجاه و پنج فصل ترتیب یافته است. امیرحسینی در معرفی کتاب خود می‌نویسد: «این معجونی است از صورت و معنی در هم سرشته و عرجونیست از اصل به فرع باز بسته تا مردم صاحب‌نظر از حسن مزاج و کمال قوت انسانی خبر یابند و بقدر استعداد صلاحیت جلی خود را از معرفت خود معذور ندارند...»<sup>۱</sup> (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۳)

### پیشینه پژوهش

*طرب‌المجالس* در سال ۱۳۵۲ به همت سید علی‌رضا مجتهدزاده، استاد دانشگاه فردوسی، در مشهد تصحیح و چاپ شد. این کتاب پیش از آن نیز دوبار به شکلی ناقص و مغلوط، یک‌بار در مطبع اسلامیة ستیم پریس لاهور و بار دیگر در سال ۱۳۵۳ هجری قمری در حاشیة *اشعه‌اللعنات جامی و لعنات عراقی* در تهران به چاپ رسید.

مجتهدزاده تصحیح کتاب را با استفاده از پنج نسخه خطی و چاپی موجود در کتابخانه‌های کشور به انجام رساند. نسخه‌های استفاده‌شده در تصحیح ایشان عبارت است از:

- ۱) نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد که آن زمان در تملک محمود فرخ بوده است.
- ۲) نسخه خطی روضه *نخلد* که به همراه نسخه *طرب‌المجالس* میرحسینی هروی در یک مجلد در کتابخانه دانشگاه

فردوسی مشهد موجود است.

۳) نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس سنای سابق) که آن را گلچین معانی رونویسی کرده است.

۴) نسخه خطی موصوف به آستانه که همان نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد است.

۵) نسخه چاپی طرب‌المجالس که در حاشیه مقصد/الاقصى اثر نسفی به چاپ رسیده است.

مجتهدزاده نسخه خطی کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد را نسخه اساس خود قرار داده است. مصحح در معرفی نسخه‌های خطی استفاده شده در این تصحیح، به ذکر نام نسخه بسنده کرده و هیچ توضیح دیگری درباره محل نگهداری نسخه و دیگر مشخصات لازم برای شناسایی و مراجعه به آنها نداده است.

افزون بر نسخه‌های خطی و چاپی نامبرده، نسخه‌های گوناگون دیگری وجود دارد که می‌توان در این پژوهش از آنها یاد کرد و در مسیر تحقیق از آنها بهره برد. مجموعه‌ای از این نسخه‌ها در جلد بیست و دوم کتاب فهرستگان نسخه‌های خطی/ایران (فنخا) از مصطفی درایتی، صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۲ ذکر شده است که برخی از مهم‌ترین و کامل‌ترین آنها عبارت است از:

۱) نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۸۳۷/۱ ف، بدون تاریخ کتابت.

۲) نسخه موجود در کتابخانه همایون صنعتی‌زاده بدون شماره، تاریخ کتابت تا قرن دهم.

۳) نسخه موجود در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۳۲۹۸، تاریخ کتابت ۱۳۱۱ ق.

۴) نسخه موجود در کتابخانه ملک تهران به شماره ۱۱۴۹/۱، تاریخ کتابت ۹۸۲ ق.

۵) نسخه موجود در کتابخانه سپهسالار تهران به شماره ۵۸۲۲، تاریخ کتابت ۱۰۹۶ ق.

۶) نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به شماره ۳۵۵۳، بدون تاریخ کتابت.

۷) نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۲۰۶۶۷، تاریخ کتابت ۸۳۴ ق.

۸) نسخه موجود در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۳۸۲۵، بدون تاریخ کتابت.

## بحث و بررسی

نگارندگان این مقاله برآن‌اند که تصحیح مجتهدزاده از طرب‌المجالس را بررسی و نقد کنند و با بیان دلایل و مستندات و شواهد اثبات کنند که این کتاب اشکال‌های متعدد و نقص‌های درخور توجهی دارد؛ بنابراین تصحیح دوباره آن توجیه‌پذیر و ضروری است. این اشکالات و دلایل را می‌توان به چند عنوان کلی تقسیم‌بندی کرد: اشکالات مربوط به نسخه اساس و نسخه‌بدل‌ها، اشکالات مربوط به پی‌نوشت‌ها، رسم‌الخط و نقطه‌گذاری، نارسایی‌ها و نقص‌های کتاب، جابه‌جایی ارکان جمله و عبارت‌ها و واژه‌ها.

## اشکالات مربوط به نسخه اساس و نسخه‌بدل‌ها

مجتهدزاده در مقدمه کتاب خود از چند نسخه برای منبع خود یاد می‌کند. از جمله آنها نسخه‌ای است که آن را نسخه اصلی معرفی کرده است. این نسخه در آن زمان در تملک شخصی به نام محمود فرخ و جزو کتابخانه دانشگاه ادبیات مشهد بوده و در مجموعه ۲ شماره ۳۸ ثبت شده است. این نسخه خطی اکنون نیز در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد

موجود است و در فنخا با شماره ۱۵۴ از آن یاد شده؛ اما در شناسنامه کتابخانه با شماره ۲۰۶۶۷ به ثبت رسیده است. نکته درخور توجه در این باره آن است که این نسخه به همراه نسخه‌ای از روضه‌خلد مجد خوافی در یک مجلد قرار دارد. در شناسنامه کتاب، تاریخ تحریر آن سال «۷۳۳ هـ» ذکر شده است. تاریخ کتابت آن نیز سال «۸۳۴ هـ» است که به گمان قوی یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود و نزدیک به زمان مؤلف است. نوع خط آن نستعلیق خوش و ۲۹۷ برگ است. این نسخه با شماره ۲۰۶۶۷ در کتابخانه دانشگاه فردوسی به ثبت رسیده است. در ابتدا و مقدمه و حواشی کتاب، توضیحاتی به خط و قلم محمود فرخ در بیست صفحه نوشته شده است که اطلاعات خوب و به‌نسبت جامعی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. مجتهدزاده آنچنان که در مقدمه بیان می‌کند، این نسخه را نسخه اصلی و اساس تصحیح خود قرار داده است. در ادامه ذکر چند نکته درباره آن لازم و بایسته است.

نسخه موصوف، در اصل کتابی مستقل به نام *طرب‌المجالس* نیست؛ بلکه در واقع دو اثر در یک مجلد است که هر دو اثر به قلم یک کاتب نوشته شده است. نسخه دیگری که به همراه *طرب‌المجالس* در این کتاب آمده و مجتهدزاده به آن اشاره نکرده است، نسخه‌ای از کتاب *روضه‌خلد* اثر مجد خوافی است که پس از *طرب‌المجالس* در ادامه همین مجلد نوشته شده است. مجتهدزاده در معرفی نسخه‌های استفاده‌شده خود، این نسخه را نسخه‌ای مجزا معرفی می‌کند؛ اما کتاب *روضه‌خلد* (*روضه‌الخلد*) هیچ‌گونه ارتباطی با *طرب‌المجالس* و نویسنده آن ندارد و اینها دو کتاب مستقل با مباحث و نویسندگان مجزاست که در یک مجلد و با کاتبانی یکسان جمع شده است. بر نگارندگان این مقاله مشخص نشد که این سهو و اختلاط به چه سبب روی داده است.

در این نسخه ابتدا، کتاب *طرب‌المجالس* به اشتباه با عنوان *کنزالحکمه*، یکی از آثار مجد خوافی معرفی شده است؛ اما بنابر گفته محمود فرخ در مقدمه‌ای که بر همین نسخه نوشته است، در سال ۱۳۴۴ آقای دانش‌پژوه مشخص کرد که قسمت اول کتاب، نسخه‌ای از *طرب‌المجالس* اثر میرحسینی هروی است که به اشتباه *کنزالحکمه* اثر مجد خوافی نامیده شده است (میرحسینی هروی، ۷۳۳: ۱۰).

این نسخه خطی از ابتدای کتاب تا صفحه ۹ (برابر با ابتدا تا صفحه ۲۳ تصحیح مجتهدزاده) و همچنین از صفحه ۳۹ تا چند ورق دیگر بعد از آن (?) (برابر با اواخر صفحه ۸۶ تا اواسط صفحه ۹۲ تصحیح مجتهدزاده) افتادگی دارد. مجتهدزاده ضمن آنکه در تصحیح خود به این نکته اشاره نکرده است، مشخص هم نکرده که این صفحات افتاده با استفاده از کدام نسخه دیگر تصحیح و مقابله شده است. با توجه به اینکه در چنین شرایطی «اگر نسخه‌ها مختلف باشند، یک نسخه را به عنوان اساس کار برمی‌گزینند تا متن اصلی حفظ شود و در پی نوشت به اختلاف نسخه‌ها یعنی اختلاف روایت‌ها اشاره می‌شود. اگر در یکی از نسخه‌ها مطلبی دیده شود که در اصل نیامده، بایستی آن مطلب به نسخه اصلی افزوده گردد و در پاورقی به آن اشاره شود» (منجد، ۱۳۷۷: ۱۰۶). مجتهدزاده به این روش عمل نکرده است و این، یکی از عیوب مهم و رایج تصحیح ایشان است.

یکی از نکات مهمی که صاحب‌نظران و مصححان اهل فن درباره تصحیح نسخه‌های خطی به آن اشاره و توصیه می‌کنند این است که مصحح در تصحیح نسخ باید به نسخه اساس وفادار و پایبند باشد؛ متن آن را اساس تصحیح و کار خود قرار دهد و در هر شرایطی، متن و محتوای آن را تغییر ندهد. «رعایت امانت ایجاب می‌کند که مصحح نه تنها ضبط‌های نسخ خطی را به نسخه چاپی منتقل کند بلکه از دخالت در آنها نیز جداً بپرهیزد. منظور از دخالت این است که مصحح تنها می‌تواند یکی از نسخ خود را با استدلال در متن قرار دهد و ضبط‌های نامرجم را در حاشیه نقل کند؛ اما

مجاز نیست متن را به ذوق و سلیقه خود تغییر دهد» (صادقی، ۱۳۸۴: ۲۰۷). گفتنی است مجتهدزاده از این قاعده پیروی نکرده و افزون‌بر اینکه در کتاب خود به نسخه‌ی اساس پایبند و وفادار نبوده است، در بسیاری از موارد متن نسخه را به سلیقه و صلاح‌دید خود و یا شاید با مراجعه و مقابله با نسخه‌ی بدل‌های دیگر تغییر داده است. این تغییرات در یک متن و یا جمله، گاهی به یک عبارت و یا واژه منحصر می‌شود و گاهی شامل چندین عبارت و جمله است. این نوع اختلاف‌ها به معنا و مفهوم جمله‌ها و عبارات و ساختار سخن خللی وارد نمی‌کند؛ اما از مطابقت و برابری متن تصحیح‌شده با متن نسخه‌ی اساس می‌کاهد؛ برای نمونه در ادامه به شواهدی اشاره می‌شود:

در صفحه ۱۳ از نسخه‌ی خطی کتابخانه دانشگاه فردوسی (نسخه‌ی اساس مجتهدزاده)، در ابتدای فصل هفتم چنین آمده است: «... معلوم ایشان شد که یکی از مقربان به داغ فرقت مبتلا خواهد شد. رعشه در نهاد هر یک افتاد نزدیک معلم شدند تا اشارت به ما نباشد. او را خود نخوت و عجب و کبر و غرور در باطن چنان ثابت و متمکن بود که خوف آن معنی بر خاطر او گذر نکرد.»

این متن در تصحیح مجتهدزاده به این صورت تغییر کرده است: «... معلوم ایشان شد که یکی از مقربان بداع فرقت مبتلا خواهد شد، رعشه ای در نهاد هر یکی افتاد نزدیک معلم شدند گفتند دعا کن تا اشارت بما نباشد او را خود نخوت و عجب و کبر و غرور در باطن چنان ثابت و متمکن بود که خوف آن معنی بر خاطر او گذر نکرد» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۲۶).

در ابتدای صفحه ۹۳ نسخه‌ی خطی کتابخانه دانشگاه فردوسی چنین آمده است: «... منصف وزیر پیش آمد و گفت: این محکمه مناظره و مجادله است نه معرکه‌ی حرب و مقاتله سخن به حجت گوئید و طریق انصاف سپرید و از استبداد و استنکار تجنب نمایید و از مناقشه و مکاوححت محترز باشید این همه نتیجه‌ی وقاحت و سفاهت است علی‌الخصوص درین مجلس که ملک ملک آسا بر سریر فلک سای خود نشسته است و چندین امرای نامدار و نقبای کامکار بر دو قدم ایستاده‌اند حکیم حجاز نزدیک او بود به رسم عرب بی‌توقف آواز برکشید و گفت: «...»

در تصحیح مجتهدزاده متن بالا چنین آمده است: «... منصف وزیر پیش آمد و گفت: این محکمه مناظره است و مجادله نی معرکه قتل و محاربه سخن بحجت گوئید و طریق انصاف سپرید و از مناقشت و مکاوححت محترز باشید این همه نتیجه‌ی وقاحت و سفاهت است علی‌الخصوص در این مجلس که ملک بر ملک سایر سریر فلک سای خود نشسته است و چندین امرای نامدار و نقبای کامکار بر دو قدم ایستاده‌اند. حکیم حجاز نزدیک او بود برسم عرب بی‌توقف و تکلف آواز برکشید و گفت: «...» (همان: ۹۶).

همچنین در ابتدای صفحه ۱۰۸ نسخه‌ی خطی در کتابخانه دانشگاه فردوسی چنین آمده است: «... و دیگر آنک اگر کسی از عوارض اعراض می‌کند و ازین دار فانی تجافی می‌نماید و از صحبت آدمیان عزلت اختیار می‌کند با آنک به قول خدای و رسول افضل اعمال و اشرف احوال این است مردم بالطبع از او متنفر می‌شوند و به سنگ ملامت از میان خودش بیرون می‌کنند او نیز از برای دفع شر شما مقام خود در کوه و بیشه معین می‌کند و با سباع و وحوش الف می‌گیرد و ایشان به حسن ادب و شرط حرمت انیس و جلیس او می‌شوند.»

و در تصحیح مجتهدزاده آمده است: «... دیگر آنک شخصی اگر از عوارض دنیاوی بکلی اعراض می‌کند با آنک بقول خدای و رسول افضل اعمال و اشرف احوال اینست مردم بالطبع از او متنفر می‌شوند و بسنگ ملامت از میان خویش بدر می‌کنند او نیز از برای دفع شر شما مقام خود در کوه و بیشه می‌گیرد و با سباع و وحوش انس معین می‌کند و ایشان بحسن ادب و شرط حرمت انیس و جلیس او می‌شوند» (همان: ۱۰۹).

در تصحیح مجتهدزاده آمده است: «امروز ما را شکایتی است که در هیچ دور باتمام نرسید از بیداد بنی‌آدم بجان آمده‌ایم که بی‌جرم و جنایت عداوت ما ظاهر کردند و ضرب و قتل ما را بر خود واجب دانستند، این عداوت را سببی معین آن تغذیب را موجبی ظاهر نه مسکینی چند را امید می‌باشد که از لطف عمیم شاه بانصاف رسند و در کار ایشان نظر لطف مبذول دارد، ملک جنیان کریم خلق و رحیم دل بود شتر را بناخت و بلطف و مراعات دل داد و امیدوار عدل و انصاف خودش گردانید و فرمود: که چند روزی در این ساحت مرغزار با راحت استراحت کن و دست و پای سوده را آسوده دار تا در این کار مشکل و واقعه مهم فکری کنیم» (همان: ۸۴).

همین بند در صفحات ۸۴ و ۸۵ نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه فردوسی به این صورت آمده است: «امروز ما را شکایتی است که در هیچ عهد انصاف خود نیافته‌ایم و حکایتیست که در هیچ دور باتمام نرسید از بیداد بنی‌آدم بجان آمده‌ایم که بی‌جرم و جنایت عداوت ما ظاهر کرده‌اند و ضرب و قتل ما را بر خود واجب داشته نه آن عداوت را سببی معین و نه آن تغذیب را موجبی ظاهر مسکینی چند را امید می‌باشد که از لطف عمیم شاه نظر رحمت در کار ایشان مبذول دارد، ملک جنیان کریم خلق و رحیم دل بود شتر را بناخت و بلطف و مراعات امیدوار عدل و انصاف خودش گردانید فرمود که چند روز در این ناحیت مرغزار باراحت استراحت کن و دست و پای سوده فرسوده را آسوده دار تا در این کار مشکل و واقعه مهم فکری فرماییم.»

در تصحیح مجتهدزاده می‌خوانیم: «حکیم حجاز گفت: نطق حیوانات بزبان حال است و نطق انسان بزبان قال این صریح است و آن مخفی. شتر گفت غلط کرده‌ای حیوانات را نیز زبان قال داده‌اند اما چون ترا مفهوم نمی‌شود نطق ایشان را می‌پنداری زبان حال است» (همان: ۹۸).

همین بند در صفحات ۹۴ و ۹۵ نسخه خطی در کتابخانه کتابخانه دانشگاه فردوسی به این صورت آمده است: «حکیم حجاز گفت نطق حیوانات بزبان حال است و نطق انسان بزبان قال اما چون مفهوم نمی‌شود نطق ایشان را می‌پنداری بزبان حال است.»

مجتهدزاده، بند زیر را چنین آورده است: «شتر گفت: ما را و شما را جذب منافع و دفع مضرت یکدیگر آفریده‌اند ما را خدمت شما فرموده‌اند و شما را خادم ما گردانیده و ذکر مالکیت شما از روی مجاز است نه از روی تحقیق زیرا که: العبد و ما فی یده ملک لمولاه. اگر مالکیت از بیع و شری ثابت می‌شود شما همه عمر با یکدیگر همین معامله دارید» (همان: ۱۰۰).

همین متن در صفحه ۹۷ نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه فردوسی به این صورت نوشته شده است: «شتر گفت: ما را و شما را برای جذب منافع و دفع مضار یکدیگر آفریده‌اند ما را خدمت شما فرموده‌اند و شما را خادم ما گردانیده و ذکر مالکیت شما از روی مجاز است نه از روی تحقیق زیرا که: العبد و ما فی یده لمولاه. اگر مالکیت بیع و شرا و فضیلت از آن طریق است شما همه عمر با یکدیگر همین معامله دارید.»

جابه‌جایی در ارکان جملات و عبارات و ترکیبات متن نسخه اساس از دیگر اشکال‌های تصحیح مجتهدزاده است که می‌توان آن را تحت دو عنوان بررسی و بیان کرد:

الف) تغییرات و جابه‌جایی ارکان و واژه‌هایی که در مفهوم و معنای کلام خلل ایجاد کرده است؛ مانند «اگر رمز و اشارت فهم نمی‌کنی صریح بشنو» (همان: ۱۳۸). این جمله در صفحه ۱۴۲ نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه فردوسی به این صورت آمده است: «اگر برمز و اشارت فهم نمی‌کنی صریح بشنو». آوردن حرف «ب» بر سر واژه «رمز» معنا و

مفهوم عبارت را تا حد بسیاری تغییر می‌دهد؛ زیرا از جمله اول اینگونه فهمیده می‌شود که «اگر این رمز و اشارت را فهم نمی‌کنی، صریح بشنو»؛ اما از جمله دوم این معنا فهمیده می‌شود که «اگر به وسیله رمز و اشارت فهم نمی‌کنی، صریح بشنو». نمونه‌های دیگر در ادامه بیان می‌شود.

«... اما از نقل اقاویل جز زحمت کاتب بیشتر فایده‌ای نیست» (همان: ۱۴۵). در صفحه ۱۵۳ نسخه اساس آمده است: «... اما از نقل اقاویل جز زحمت کتابت فایده نیست.»

دلت را دهم مژده گر راستی  
گر آنرا بنور حق آراستی  
(همان: ۱۵۰)

این بیت در نسخه اساس صفحه ۱۵۹ به این صورت نوشته شده است:

دلت را دهم مژده گر راستی  
که جانرا بنور حق آراستی

ب) تغییرات و جابه‌جایی ارکان و واژه‌هایی که تأثیری در معنا و مفهوم نداشته است؛ اما با متن نسخه اساس مطابقت ندارد؛ مانند «یقین شد که هرکه را حیا نیست، فاجر و فاسق است» (همان: ۱۴۲). در صفحه ۱۴۶ نسخه اساس چنین است: «یقین شد که هرکه را حیا نیست فاسق و فاجر است.»

«یکی از اخلاق الهی جود است که فیض آن بروح قدسی مدام حاصل است» (همان: ۱۴۳). این جمله در نسخه اساس صفحه ۱۴۸ چنین آمده است: «یکی از جمله اخلاق الهی جود است که فیض آن مدام بروح قدسی حاصل است.»

از دیگر مواردی که می‌توان به تفاوت میان تصحیح مجتهدزاده و نسخه اساس اشاره کرد، این است که در بسیاری از قسمت‌های کتاب، بین تعداد ابیات متن با نسخه اساس اختلاف وجود دارد. برخی از ابیات در نسخه وجود ندارد و مجتهدزاده مشخص نکرده است که این ابیات را از کجا و یا براساس کدام نسخه در تصحیح خود گنجانده و در پاورقی و توضیحات کتاب خود نیز به این تفاوت‌ها اشاره نکرده است؛ برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: دو بیت زیر در نسخه اساس هم نیست و مجتهدزاده تنها در پاورقی کتاب اشاره کرده است که در نسخه آستانه (آستان قدس رضوی) این دو بیت نبود.

گرگان گرسنه بهر وایله  
چون بز شده بر چراغ پایه  
برده بهوا چو بز دم خویش  
بس گفته پوش ... ای میش  
(همان: ۴۹)

همچنین است ابیات زیر:

مکن شیب و بالا بدره نگاه  
اگر راستی گز نیفتی ز راه  
(همان: ۱۵۰)

کوری چشم رافضی است هوا  
خارش ... خارجی است هوا  
(همان: ۱۶۳)

در خود نگری و سرفرازی  
تا چند ز ... ترنج سازی  
همال نجاستی شب و روز  
پیچیده در انتظار یک ...  
خود ریش تو بی ... مگس نیست  
ای گنده بغل همینت بس نیست  
(همان: ۱۷۰)



گفتنی است برخی از واژه‌ها در ابیات بالا، به رعایت ادب و شأن سخن ذکر نشده است. در ذکر آیات، احادیث و روایات نیز اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی بین متن کتاب با نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی بدل‌ها وجود دارد که باید در اصلاح آنها تلاش شود تا متن کتاب از این نوع دوگانگی‌ها و اختلافات زدوده شود. در ادامه نمونه‌هایی بیان می‌شود.

«کذلک زینا لکل امه عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فیتبئهم بما کانوا یعلمون» (همان: ۳۴). این آیه در صفحه ۲۳ نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه فردوسی به این صورت نوشته شده است: «کذلک زینا لکل امه عملهم».

«یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم قل فمَن یملک لکم» (همان: ۳۹). در صفحه ۳۰ نسخه خطی کتابخانه دانشگاه فردوسی آمده است: «یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم».

بررسی شواهد نامبرده نشان می‌دهد که مجتهدزاده به نسخه آستان قدس بیش از نسخه اساس توجه داشته است؛ زیرا همه اختلافاتی که بین متن تصحیح شده مجتهدزاده و نسخه اساس ذکر شد با نسخه آستان قدس توجیه می‌شود؛ گفتنی است مجتهدزاده به این تفاوت‌ها در پی نوشت اشاره نکرده است. از سوی دیگر ضبط نسخه اساس در بیشتر موارد گویا و صحیح است و مشخص نیست چرا مصحح ضبط نسخه بدل را ترجیح داده است.

تفاوت‌های ساختاری و زبانی متن تصحیح شده با نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشگاه فردوسی (نسخه اساس) تنها به این موارد پایان نمی‌پذیرد و موارد بسیار دیگری از جمله درباره کاربرد فعل‌ها، حروف اضافه، واژه‌ها و عبارات‌ها نیز وجود دارد که ذکر تک‌تک آنها، مطلب را به درازا خواهد کشید و از حوصله این مقاله خارج است.

از جمله ایرادهای دیگر در تصحیح مجتهدزاده آن است که مصحح در تصحیح خود تنها از نسخه‌ای استفاده کرده که به گمان خود بهترین نسخه برای مقابله و تصحیح بوده است؛ اما نسخه‌های معتبر و کامل دیگری از این اثر در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که در تصحیح دوباره می‌توان از آنها نیز برای مقابله بهتر و کامل استفاده کرد. ایشان نیز در مقدمه کتاب این نکته را بیان کرده‌اند. برخی از این نسخه‌ها عبارت است از:

- نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۳۲۹۸

- نسخه خطی موجود در کتابخانه ملک تهران به شماره ۱۱۴۹/۱

- نسخه خطی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم به شماره ۳۶۹۸

- نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق) به شماره ۲۶۰۹

### اشکالات پی‌نوشت‌ها، رسم‌الخط، املا، نقطه‌گذاری و چاپی

یکی از اشکالات مشهود در تصحیح مجتهدزاده اشتباهات متعددی است که در پی‌نوشت‌ها دیده می‌شود. پی‌نوشت در هر کتابی مهم‌ترین ابزار برای دادن اطلاعات بیشتر و کامل‌تر به خواننده است؛ بنابراین باید در نگارش آن دقت کافی و لازم داشت؛ اما پی‌نوشت‌ها در تصحیح مجتهدزاده اشتباهات گوناگونی دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

پی‌نوشت‌های این تصحیح بسیار مختصر است و بیشتر به ذکر نشانی آیات و یا اشاره مختصری به برخی از اختلاف‌های نسخه اصلی با نسخه بدل‌ها منحصر می‌شود. مصحح از چند نسخه در تصحیح این کتاب استفاده کرده و اختلاف نسخ نیز فراوان است؛ اما به اختلاف نسخه‌ها در پی‌نوشت بسیار جزئی و مختصر اشاره شده است. این عیب آشکار و ناکارآمد و ناکافی بودن این توضیحات و ضعف این بخش در همه متن کتاب مشاهده می‌شود.

قاعده در ذکر پی‌نوشت این است که شماره موردی که توضیح آن در پی‌نوشت آورده می‌شود، در پایان همان عبارت و یا واژه در متن نوشته شود؛ اما این شیوه در بیشتر بخش‌های این اثر رعایت نشده است و در بیشتر موارد، شماره در متن کتاب، قبل از نکته‌ای نوشته شده است که باید در پی‌نوشت توضیح آن آورده شود. این شیوه اشتباه باعث سردرگمی خواننده و دشواری دسترسی سریع و راحت به توضیح منظور می‌شود.

از دیگر اشکالات پی‌نوشت‌ها آن است که توضیحات آن بیشتر اشتباه و یا ناقص و گمراه‌کننده است و نمی‌توان از آنها برای منبع اطلاعات تکمیلی این کتاب استفاده کرد؛ برای مثال به چند نمونه اشاره می‌شود:

در پی‌نوشت ۳ صفحه ۷۲ نوشته شده که در نسخه خطی آستان قدس و مجلس سنا، جمله «... و جن و انس را بشرع و اسلام دعوت کند» آمده است؛ اما این جمله فقط در نسخه مجلس سنا به این صورت آمده و در نسخه آستان قدس به شکل «و جن و انس را بشرع و دین خود دعوت کند» است.

در پی‌نوشت ۵ صفحه ۸۵ در توضیح مصراع دوم بیت پایانی این صفحه نوشته شده است که این مصراع در نسخه آستان قدس و مجلس سنا به صورت «که خالی مبادا ز تو تخت و گاه» آمده؛ اما این مصراع در نسخه خطی آستان قدس به صورت «که خالی مبادا از تو این تختگاه» است.

در پی‌نوشت ۲ صفحه ۹۵ نوشته شده است که در نسخه خطی آستان قدس و مجلس سنا جمله «شتر چنانچه شرط ادب است» آمده است؛ اما این جمله در نسخه خطی آستان قدس به صورت «چنانچه داب اهل ادب است» و در نسخه خطی مجلس سنا به صورت «چنانچه رسم و ادبست» نوشته شده است و در هیچ‌کدام از دو نسخه، این جمله به صورتی نیست که مجتهدزاده بیان کرده است.

در پی‌نوشت صفحه ۱۱۱ نوشته شده نسخه آ.ق: چرند؛ اما مرجع آن در متن مشخص نشده است.

به‌طور کلی کتاب ویرایش مناسبی ندارد. اشکالات حروف چینی و توجه‌نکردن به فاصله بین حروف و واژه‌ها باعث بدخوانی عبارت‌ها شده است. برای نمونه در مقدمه صفحه ۲ آمده است: «و بنسبت از مبدا اصلی خود و اصل شوند.» و در صفحه ۸ می‌خوانیم: «اجزای آن جوهر باجماع او صاف و اخلاق معهود گشت»؛ چنانکه دیده می‌شود فاصله بین حروف در کلمات «واصل و اوصاف» موجب بدخوانی شده است.

جدا یا متصل‌نویسی نیز از نکاتی است که مصحح کمتر به آن توجه داشته است؛ مانند پیوسته‌نوشتن حرف اضافه «به» به واژه‌های پس از آن مانند «بغفلت، بتحقیق، بمدد، بنور» و جدانوشتن حرف «ب» از فعل مانند «به بین» به جای بین و جدانوشتن نون نفی از فعل مانند «نه بینی» به جای نبینی و نیز پیوسته‌کردن جزو پیشین «می» در فعل‌های مضارع مانند «میگوید، میشود، میفرماید».

توجه‌نکردن به نشانه‌های سجاوندی نیز در این متن دیده می‌شود؛ برای مثال مصحح در نخستین صفحه کتاب حتی یکبار از نقطه استفاده نکرده است. در بیشتر صفحات کتاب مصحح تنها در پایان هر بند علامت نقطه را به کار برده است. حتی مصحح در پایان جملات پرسشی نیز از علامت پرسش استفاده نکرده است: «ملک پرسید که حیوانات چند صفتند. شتر گفت عدد اصناف ایشان فهم و وهم را احاطت بکنه آن ممکن نیست...» (همان: ۸۸).

«راه یابی اغلاط املائی به هر کتابی برای خواننده ناخوشایند است و حتی گاهی اعتماد او را به اصل کتاب کم می‌کند» (باهر، ۱۳۸۲: ۱۱۳). از جمله نکاتی که باعث اعتبار یک اثر در بین مخاطبان و خوانندگان می‌شود، مبرابودن از اشتباهات املائی است. تصحیح مجتهدزاده از نظر املائی نیز گرفتار مشکلات و غلط‌هایی است. برخی از این غلط‌ها به

واژگان هم‌آوا مانند «گزاردن/ گذاردن» مربوط می‌شود که اگر اشتباه مصحح باشد بسیار ناخوشایند و نامقبول است؛ برای نمونه می‌توان به این شواهد اشاره کرد:

«... و از سر وعونت جاه و طلب شهرت این طریق را برسم و عادت اقدام نمایند.» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۱۴۸)؛  
واژه رعونت صحیح است.

«حکیم خراسان گفت شرف مردان بدان خاصیت است که باطن ایشان تسویه می‌یابد» (همان: ۱۲۷)؛ در این جمله  
واژه «تصفیه» درست است

«بزرگان را نباشد خورده گیری» (همان: ۱۴۸) که در این مصراع واژه «خرده‌گیری» درست است.

در صفحه ۸۵ تحت عنوان مثنوی، دو بیت آمده که بیت اول آن چنین است:

زمین بوسید و گفتا جاودان باش      بتخت و کامرانی در امان باد

«باد» در مصراع دوم نادرست و «باش» صحیح است.

«شیر گفت او شخصی دلیر است و گریز است طریق تجسس نیک داند...» (همان: ۸۹)؛ «گریز» صحیح است.

«کوسج گفت بیشتر قوم بطلب معاش متفرق شده‌اند سرطان و ضفدع و مارماهی و کشف اینجایند. گفت این کژ  
روی ناخوش منظور بگذار مارماهی نیکست و صورت او با معنی ابنای روزگار نسبتی دارد...» (همان: ۹۲)؛ «منظر»  
صحیح است.

البته این اشتباهات به‌جز مواردی است که در غلط‌نامه پایان کتاب آمده است.

### کمبودها و نقص‌های کتاب

تعلیقاتی بر این کتاب نوشته شده است که بیشتر به معرفی اعلام و اشخاص و ذکر مآخذ روایات و احادیث اختصاص دارد. این توضیحات مناسب است؛ اما ناکافی به نظر می‌رسد و لازم است اطلاعات و توضیحات بیشتری برای استفاده بهتر و بیشتر خوانندگان، به این قسمت اضافه شود. چه‌بسا این افزودن‌ها شامل مواردی باشد که در ادامه بیان می‌شود:

الف) معنی لغات، اصطلاحات، کنایات و تلمیحات؛

ب) شرح اسم‌ها و اعلامی که در متن کتاب آمده و مصحح به آنها نپرداخته است؛

ج) ترجمه و شرح آیات، احادیث و روایاتی که در کتاب از آنها استفاده شده است؛ زیرا از ویژگی‌های برجسته این کتاب به کار بردن بسیار و درخور توجه آیات قرآن و روایات و احادیث اسلامی است که مؤلف به اقتضای کلام و گاهی برای استشهاد از آنها بهره برده است. مصحح تنها در پایان کتاب، فهرست آیات را درج کرده؛ اما هیچ‌کدام از این آیات قرآنی و یا اخبار و احادیث را ترجمه نکرده است؛

د) شرح و توضیح واژگان و اصطلاحات عرفانی و صوفیانه که در متن به کار رفته است. طرب‌المجالس کتابی با محتوای اخلاقی و تعلیمی است که در آن، امیرحسینی هروی با تکیه بر مبانی تصوف و عقاید و شیوه متصوفه، در تبیین و تعلیم فضیلت‌ها و سفارش به دوری از رذیلت‌های اخلاقی می‌کوشد. این کتاب تا حدی به سبک نثر خواجه عبدالله انصاری نگارش یافته است و محتوایی درخور فهم برای بسیاری از مخاطبان و اهل فن دارد؛ اما باید در تعلیقات آن، بخشی برای توضیح و شرح برخی از عبارات و اصطلاحات متصوفه آورده شود تا خواننده را تا حد امکان از مراجعه

به منابع دیگر بی‌نیاز کند؛ برای نمونه، موارد زیر تعدادی از اصطلاحات و واژگانی است که در متن این کتاب به توضیح و شرح نیاز دارد: «واجب الوجود، عین القین، عالم غیب و شهادت، حجاب، عجب، کبر، خوف، استغنا، قدیم، روح اعظم، لم یزلی، ملاءاعلا، اخلاط اربعه، نفس، توحید، معرفت، استعداد جبلّی، حسنات، سیئات، فیض، ارباب تجرید، ریاضت، مجاهدت، تقوی، مراقبت، عالم جزوی، جذب، ارباب معنی، خرابات، نفی، اثبات، اوصاف ذمیمه، هوا، یقین، تأویل، ارباب فقر، زندیق، اباحت، مشایخ، فقر، طریقت، شطح و طامات، اولیا، وارد رحمانی، ضلالت، بدعت، سیر و سلوک، احوال، جبه، خرّقه، طلیسان، مستحب، واجب، زرق، وعظ و...».

نیز در تعلیقات کتاب گاهی توضیحات اشتباه و ناکافی دیده می‌شود؛ برای مثال مصحح در صفحه ۲۰۹ در بیان ضرب‌المثل «بعد خراب البصره» فقط به ذکر دو شاهد دیگر برای این مثل از مثنوی و تاریخ جهانگشای جوینی بسنده کرده؛ اما به مفهوم و ریشه تاریخی آن اشاره‌ای نکرده است. در این بخش لازم بود به ریشه تاریخی آن اشاره می‌شد تا مشخص شود منظور نویسندۀ طرب‌المجالس از ذکر این مثل چه بوده است؛ این توضیح‌دادن با ذکر تنها دو شاهد از مثنوی و تاریخ جهانگشا متفاوت است (رک: امینی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۵).

در صفحه ۱۷، مثنوی پنج‌بیتی آمده که مطلع آن چنین است:

به رنگ و بوی این زال کهنسال / مشو غره که بدمهر است و بدفال

در تعلیقات «زال» به نقل از دایره‌المعارف فارسی به اختصار معرفی شده؛ اما در این بیت «زال کهنسال» کنایه از دنیاست.

این زال گوژپشت که دنیاست همچو چنگ / از سر بریده موی و به پای اندر آمده  
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۵۳۳)

چرخ زال گوژپشت است و تو مردی بچه طبع

بچه زان مغرور شد کاین زال غرق زیور است  
(عطار، ۱۳۸۰: ۷۵۰)

در صفحه ۱۰۵ طرب‌المجالس دو بیت زیر آمده است:

چون خروسان سحر بال طرب برهم زدند / ماکیان شب ز شادی بیضه زرین نهاد  
تا مگر خسرو به عزم این رواق بی‌ستون / آمد از شب‌دیز خود بر پشت گلگون زین نهاد

مجتهدزاده در شرح بیت دوم نوشته است: «مراد خسرو دوم مشهور به خسرو پرویز است...»؛ اما خسرو و شب‌دیز و گلگون در این بیت استعاره از خورشید و شب و روز است. نظامی سروده است:

به شب‌دیز و به گلگون کرد میدان / چو روز و شب همی کردند جولان  
(نظامی، ۱۳۷۴: ۱۹۱)

چو بر شب‌دیز شب گلگون خورشید / ستام افکنند چون گلببرگ بر بید  
(همان: ۲۰۰)

در صفحه ۲۲۹ حدیثی به نقل از مسند احمد بن حنبل نقل شده است: «من کظم غیظه و هو یقدر علی ان یتتصر...» این حدیث در تمام منابع با اندکی اختلاف به این صورت ضبط شده است: «من کظم غیظه و هو یقدر علی ان ینفذه...» که قطعاً صحیح است (رک: نهج‌الفصاحه، ح ۲۷۷۸).

در صفحه ۲۳۲ بیتی به اشتباه به سنایی نسبت داده شده که از ناصر خسرو است:

## شرم از اثر عقل و دین است دین نیست تو را اگر حیا نیست

(ناصر خسرو، ۱۳۶۸: ۱۱۶)

اعراب‌گذاری آیات و اخبار و احادیث، با توجه به اهمیت این موضوع در زبان عربی، نکته دیگری است که در این کتاب از آن غفلت شده است. مصحح حتی در پایان کتاب و بخش تعلیقات کتاب نیز به این مهم نپرداخته است.

گاهی به سبب سبک ویژه کتابت کاتب در نسخه اساس، مصحح محترم به اشتباه بیت شعری را جمله‌ای از متن کتاب به شمار آورده است؛ برای نمونه در ابتدای فصل هفتم در صفحه ۹۰ نسخه خطی چنین نوشته شده است: «... و در تنفیذ امور شرعی بغایت ماهر بود و در تمشیت احکام ملک قادر و قاهر. بیت

فریدون فرّ جم همت قباد آیین شه عادل سکندر ملک دارا شکل بهمن خوی رستم دل»

«... و در امور شرعی بغایت ماهر بود و در تمشیت احکام ملک قادر و قاهر فریدن فرّ جم همت قباد آیین شه عادل سکندر ملک دارا شکل بهمن خوی رستم دل چون خیر رسول بشنید...» (همان: ۹۴).

یکی دیگر از نقص‌ها، نبود نمایه‌های آغازین و پایانی کتاب است. فهرست‌های پایانی منحصر به فهرست آیات و احادیث و اعلام و غلطنامه می‌شود. برای چنین کتابی با چنین دایره وسیعی از اطلاعات، فهرست‌های دیگری مانند فهرست مکان‌ها و اصطلاحات و ترکیبات ادبی و... لازم و ضروری است.

مقدمه کتاب مختصر و ناکافی و بدون عنوان‌بندی است. با توجه به ارزش‌های متنوع ادبی و سبکی و عرفانی کتاب بایسته است مقدمه به بخش‌های مجزا و مشخص تقسیم شود. آوردن مطالبی مانند معرفی کامل‌تر و مشروح‌تر مؤلف و اثر، توضیحاتی درباره سبک‌شناسی و محتوای اثر و معرفی بیشتر و دقیق‌تر نسخه‌ها و رسم‌الخط آنها ضروری است.

در پایان این نکته نیز گفتنی است که افزون بر آنچه گفته شد، مجتهدزاده خود نیز به لزوم تصحیح دوباره این اثر اشاره و توصیه کرده است. در مقدمه در شرح چگونگی و شرایط تصحیح این کتاب می‌نویسد: «... و همچنین از دوست محترم آقای عباسعلی پاسبان رضوی مدیر کتابفروشی باستان ناشر این کتاب که سه سال سرمایه خود را معطل کردند تا من بیحوصله مقدمه بر این کتاب نوشتم تشکر مینمایم و باید اعتراف کنم که این کتاب از روی دقت تصحیح نشده و باید حوصله بیشتری بخرج می‌دادم و با نسخ بیشتری آنرا مقابله میکردم» (همان: نه).

### پی‌نوشت

۱. در نقل شواهد، رسم‌الخط کتاب طرب‌المجالس به تصحیح دکتر مجتهدزاده حفظ شده است.

### نتیجه‌گیری

امیر فخرالسادات رکن‌الدین حسین بن عالم بن حسن الحسینی غوری ملقب به میرحسینی هروی عارف و نویسنده و شاعر ایرانی قرن هفتم است. کتاب طرب‌المجالس او اثری عرفانی و اخلاقی به نظم و نثر و سرشار از آیات و روایات و نکته‌های آموزنده است. این اثر به نثر زیبای مسجع‌گونه نگارش یافته است و نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی کشور یافت می‌شود. این کتاب نخستین‌بار در سال ۱۳۵۲ به همت سید علیرضا مجتهدزاده، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، با استفاده از نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشگاه فردوسی، تصحیح و چاپ شد. این تصحیح به سبب نقص‌ها و اشکالات گوناگونی مانند اشکالات مربوط به منابع و نسخه اساس و نسخه بدل‌ها، اشکالات پی‌نوشت‌ها و رسم‌الخطی و املائی و ویرایشی، کمبودها و نقص‌های کلی کتاب مانند نمایه‌های آغازین و پایانی، تعلیقات و نقص غلطنامه، نیازمند تصحیح دوباره است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۲- نهج الفصاحه (۱۳۸۳). گردآوری ابوالقاسم پاینده، به اهتمام غلامحسین مجیدی خوانساری، قم: انصاریان.
- ۳- امینی، امیرقلی (۱۳۸۸) *داستانهای امثال*، تهران: فردوس.
- ۴- باهر، محمد (۱۳۸۲). «چاپ جدید روضه الصفا تصحیحی برگزیده یا اثری نیازمند تصحیح»، *مجله آینه میراث*، شماره ۱ (۲)، ۹۵-۱۱۸.
- ۵- ترابی، سید محمد (۱۳۷۱). *مثنویهای عرفانی امیر حسینی هروی*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۶- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳) *دیوان*، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- ۷- درایتی، مصطفی (۱۳۳۴). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، جلد ۲۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- ۸- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- ۹- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). *جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۱۰- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۴). «ضوابط تصحیح متنهای کهن»، *مجله نامه بهارستان*، شماره ۶ (۱ و ۲)، ۳۰۷-۳۱۰.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس، چاپ نهم.
- ۱۲- عطار، فریدالدین (۱۳۸۰). *دیوان*، تصحیح تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۳- لاهوری، غلام سرور (بی‌تا). *خزینة الأصفیا*، جلد دوم، کابل: انصاری کتب‌خانه.
- ۱۴- لاهیجی، محمد بن یحیی (۱۳۹۳). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: زوار، چاپ دهم.
- ۱۵- منجد، صلاح‌الدین (۱۳۷۷). «روش تصحیح نسخه‌های خطی»، ترجمه سید حسین خدیو‌جم، *مجله آینه میراث*، شماره ۳ و ۴، ۲۳-۳۷.
- ۱۶- میرحسینی هروی، امیرحسین بن امیرعالم (۱۳۵۲). *طرب‌المجالس*، به اهتمام علیرضا مجتهدزاده، مشهد: کتابفروشی باستان.
- ۱۷- میرحسینی هروی، امیرحسین بن امی عالم (تحریر ۱۰۲۳ ق). *طرب‌المجالس*، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنا سابق)، شماره ثبت ۱۲۷.
- ۱۸- میرحسینی هروی، امیرحسین بن امیرعالم (تحریر ۷۳۳ ق). *طرب‌المجالس*، نسخه خطی، مشهد: کتابخانه دانشگاه فردوسی، شماره ثبت ۲۰۶۶۷.
- ۱۹- ناصرخسرو، ابومعین (۱۳۶۸). *دیوان*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- نفیسی، سعید (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر در ایران*، تهران: فروغی.
- ۲۱- نظامی گنجوی (۱۳۷۴). *خمسه نظامی*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: راد.
- ۲۲- هدایت، رضاقلیخان (بی‌تا). *مجمع الفصحاء*، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.